



The Impact of Monetary Policies on Economic Welfare in Iran with a Focus on Localized Indicators of Sustainable Development

Seyed mohammad mostolizadeh* 

Assitant Professor, Department of economic, Faculty of Economics, Management and Administrative Sciences, Semnan University, Semnan, Iran. mostolizadeh@semnan.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:

Research Full Paper

Article history:

Received: 2025-07-07

Revised: 2025-08-12

Accepted: 2025-08-18

Keywords:

Monetary Policy, Social Welfare, Composite and Localized Welfare Index, Monetary Fluctuations, Bank Credits, Real Interest Rate

Background and Objectives: In recent years, approaches to economic development have shifted towards multidimensional and welfare-oriented concepts, so that traditional indicators such as Gross Domestic Product can no longer solely reflect the real quality of life and human development. Social welfare is a comprehensive and multidimensional concept encompassing both material and non-material aspects, including income, employment, education, health, social security, and civic participation. Accurate measurement of social welfare requires the use of composite and localized indices that take into account the cultural, economic, and social characteristics of each country. Meanwhile, monetary policies, as one of the main tools of macroeconomic policymaking, play a significant role in influencing social welfare. These policies not only aim to stabilize inflation and promote economic growth but, considering their distributive consequences and direct and indirect effects on income distribution, access to resources, and financial stability, can impact the level of welfare. Precise evaluation of this relationship, especially in transition economies like Iran, requires utilizing localized indices and advanced econometric models. Due to its specific economic and social characteristics, including chronic inflation, severe monetary fluctuations, and investment challenges, Iran faces significant problems in the domain of social welfare.

Materials and Methods: examining the impact of monetary policies on social welfare using composite localized indices can help policymakers design more effective and context-appropriate policies. This study aims to develop and apply a localized index for measuring social welfare and analyze the effects of selected monetary policy variables during the period from 1991 to 2023 in Iran. Relying on macroeconomic data and econometric models, this research endeavors to scientifically and practically analyze the relationship between monetary policies and social welfare and to offer evidence-based policy recommendations.

Results: There is a positive and significant relationship between the volume of bank credits and the composite and localized social welfare index, and a negative and significant relationship between the money supply volume and

* Corresponding author.

E-mail: mostolizadeh@semnan.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0003-0942-657X>

the real interest rate with the composite and localized social welfare index. A negative effect of the money supply issued by the central bank on the composite and localized social welfare index has been observed. Furthermore, the research results indicate a negative relationship between money supply volatility—as an indicator of monetary policy instability—and the composite and localized social welfare index.

Conclusion: Given the negative and significant effect of the money supply issued by the central bank on social welfare, it is essential that the central bank prevents excessive expansion of the monetary base. It is recommended that monetary policies focus on inflation targeting and controlling liquidity growth through open market operations and reduction of government's monetary budget deficits. The positive impact of bank credit volume on social welfare underscores the importance of public access to productive financial resources. Bank loans should be directed toward productive economic sectors such as manufacturing, agriculture, education, and healthcare. A comprehensive and accurate credit rating system should be established to facilitate access to credit for low-income groups. Restrictions should be imposed on the provision of non-productive loans (e.g., speculative loans)

Cite this article:

mostolizadeh, S. M. (2025). The Impact of Monetary Policies on Economic Welfare in Iran with a Focus on Localized Indicators of Sustainable Development. *Managerial Modelling in Sustainable Development*, 1(1), 79-102.

DOI: <https://doi.org/10.22075/mmsd.2025.38241.1007>

© 2025 The Author(s). Journal of Strategic Value Chain Management Published by Semnan University Press. This is an open access article under the CC-BY-4.0 license. (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>).



تأثیر سیاست های پولی بر رفاه اقتصادی در ایران با تمرکز بر شاخص های بومی شده توسعه پایدار

سید محمد مستولی زاده*^{id}

استادیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

mostolizadeh@semnan.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله کامل علمی- پژوهشی	سابقه و هدف: هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر سیاست پولی بر رفاه اجتماعی با تأکید بر ساخت و بهره گیری از شاخص ترکیبی و بومی رفاه اجتماعی در ایران است. با توجه به کاستی های شاخص های سنتی نظیر تولید ناخالص داخلی در ارزیابی جامع رفاه، در این مطالعه تلاش شده است با بهره گیری از رویکردهای نوین، شاخصی ترکیبی و بومی سازی شده طراحی گردد که ابعاد اقتصادی، اجتماعی و نهادی رفاه را در بر گیرد. سپس با استفاده از داده های سالانه و در بازه زمانی ۱۳۷۰ الی ۱۴۰۲ و از روش ARDL، اثرات متغیرهای سیاست پولی نظیر حجم پول، نرخ بهره حقیقی و حجم اعتبارات بانکی بر شاخص رفاه اجتماعی مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج حاصل نشان می دهد که بین شاخص حجم اعتبارات بانکی و رفاه اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ در حالی که حجم پول و نرخ بهره حقیقی تأثیری منفی و معنادار بر رفاه اجتماعی دارند. افزون بر این، نوسانات حجم پول به عنوان شاخصی از بی ثباتی سیاست پولی نیز رابطه ای منفی با رفاه اجتماعی نشان می دهد. این یافته ها بر اهمیت ثبات سیاست پولی و طراحی سیاست های پولی با رویکرد رفاه محور برای بهبود کیفیت زندگی شهروندان ایرانی تأکید دارند. در پایان، پیشنهادهایی سیاستی در راستای ارتقای رفاه اجتماعی از طریق هدایت هدفمند ابزارهای پولی ارائه شده است.
واژه های کلیدی: سیاست پولی، رفاه اجتماعی، شاخص ترکیبی و بومی شده رفاه، نوسانات پولی، اعتبارات بانکی، نرخ بهره حقیقی	

استناد: مستولی زاده، سید محمد. (۱۴۰۴). تأثیر سیاست های پولی بر رفاه اقتصادی در ایران با تمرکز بر شاخص های بومی شده توسعه پایدار. *مدل سازی مدیریتی در توسعه پایدار*، ۱(۱)، ۷۹-۱۰۲.

DOI: <https://doi.org/10.22075/mmsd.2025.38241.1007>

ناشر: دانشگاه سمنان

۱. مقدمه

در سال‌های اخیر، رویکردهای توسعه اقتصادی به سمت مفاهیمی چندبعدی و رفاه‌محور تغییر یافته است، به گونه‌ای که شاخص‌های سنتی مانند تولید ناخالص داخلی دیگر نمی‌توانند به تنهایی کیفیت واقعی زندگی و توسعه انسانی را نشان دهند (استیگلتز و همکاران^۱، ۲۰۱۹). رفاه اجتماعی مفهومی جامع و چندبعدی است که ابعاد مادی و غیرمادی از جمله درآمد، اشتغال، آموزش، سلامت، امنیت اجتماعی و مشارکت مدنی را در بر می‌گیرد و اندازه‌گیری دقیق آن نیازمند استفاده از شاخص‌های ترکیبی و بومی است که ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی هر کشور را در نظر بگیرد (باندورا^۲، ۲۰۰۶ و آناند و سن^۳، ۲۰۰۰).

در این میان، سیاست‌های پولی به عنوان یکی از اصلی‌ترین ابزارهای سیاست‌گذاری کلان، نقش مهمی در تأثیرگذاری بر رفاه اجتماعی ایفا می‌کنند. این سیاست‌ها نه تنها با هدف تثبیت تورم و رشد اقتصادی، بلکه با توجه به پیامدهای توزیعی و تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بر توزیع درآمد، فرصت‌های دسترسی به منابع و ثبات مالی، می‌توانند سطح رفاه را تحت تأثیر قرار دهند (مک‌کلوج و همکاران^۴، ۲۰۲۱ و آلبا و همکاران^۵، ۲۰۲۰). ارزیابی دقیق این ارتباط، به ویژه در اقتصادهای در حال گذار مانند ایران، مستلزم بهره‌گیری از شاخص‌های بومی‌شده و مدل‌های اقتصادسنجی پیشرفته است (کوماتسو و سوزوکی^۶، ۲۰۲۰).

ایران به دلیل ویژگی‌های خاص اقتصادی و اجتماعی، از جمله تورم مزمن، نوسانات شدید پولی، و چالش‌های سرمایه‌گذاری، با مشکلات قابل توجهی در حوزه رفاه اجتماعی مواجه است (شهباز و همکاران^۷، ۲۰۲۲). لذا، بررسی تأثیر سیاست‌های پولی بر رفاه اجتماعی با استفاده از شاخص‌های ترکیبی بومی، می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا سیاست‌هایی مؤثرتر و متناسب‌تر با شرایط ملی طراحی کنند. پژوهش حاضر با هدف توسعه و به کارگیری شاخصی بومی برای سنجش رفاه اجتماعی و تحلیل تأثیر متغیرهای منتخب سیاست پولی در دوره زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۲ در ایران انجام شده است. این مطالعه با تکیه بر داده‌های کلان اقتصادی و مدل‌های اقتصادسنجی، تلاش دارد تا رابطه میان سیاست‌های پولی و رفاه اجتماعی را به شکل علمی و کاربردی تحلیل نماید و پیشنهادهای سیاستی مبتنی بر شواهد ارائه دهد.

¹ . Stiglitz et al

² . Bandura

³ . Anand & Sen

⁴ . McCulloch et al

⁵ . Alba et al

⁶ . Komatsu & Suzuki

⁷ . Shahbaz et al

۲. ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

۱.۲. رفاه اجتماعی

رفاه اجتماعی به عنوان یکی از مفاهیم بنیادی در علوم اجتماعی و اقتصادی، نشان‌دهنده سطح کلی کیفیت زندگی افراد در جامعه است که علاوه بر جنبه‌های مادی، شامل ابعاد روانی، اجتماعی و فرهنگی نیز می‌شود (سن^۱، ۱۹۹۹). بر اساس نظریه قابلیت‌ها، رفاه اجتماعی به توانایی افراد برای تحقق امکانات و فرصت‌های مورد نیاز جهت زندگی ارزشمند و متعادل اطلاق می‌شود (نوسبایوم^۲، ۲۰۱۱). در ادبیات معاصر، سنجش رفاه اجتماعی از طریق ترکیبی از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و ذهنی صورت می‌گیرد (استیگلitz و همکاران^۳، ۲۰۱۸). در مطالعات اقتصادی، شاخص‌هایی نظیر تولید ناخالص داخلی به تنهایی کفایت نمی‌کنند، چرا که نمی‌توانند نابرابری، فقر و کیفیت زندگی را به‌طور جامع اندازه‌گیری کنند (کروگر و پری^۴، ۲۰۰۶). بنابراین، شاخص‌های توسعه انسانی^۵ و شاخص‌های ترکیبی که ابعاد آموزش، سلامت، درآمد، و رضایت زندگی را در نظر می‌گیرند، در مطالعات رفاه اجتماعی اهمیت فزاینده‌ای یافته‌اند (برنامه سازمان ملل متحد^۶، ۲۰۲۰). ابعاد روانی رفاه نیز در سال‌های اخیر به شکل گسترده‌تری مورد توجه قرار گرفته‌اند. مطالعات متعددی نشان داده‌اند که رفاه ذهنی (شامل رضایت از زندگی، سلامت روان و احساس امنیت) تأثیر مستقیمی بر بهبود کیفیت زندگی و حتی عملکرد اقتصادی دارد (هلیول و همکاران^۷، ۲۰۲۳ و دینر و چان^۸، ۲۰۱۱). به این ترتیب، رفاه اجتماعی مجموعه‌ای پیچیده از شاخص‌های عینی و ذهنی است که باید در تحلیل‌های اقتصادی و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی لحاظ شود. علاوه بر آن، بومی‌سازی شاخص‌های رفاه اجتماعی متناسب با ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی هر کشور ضروری است (خاواجا و همکاران^۹، ۲۰۲۲). مطالعاتی در ایران نشان داده‌اند که ابعاد فرهنگی و اجتماعی خاص کشور ما در طراحی شاخص‌های رفاه باید مدنظر قرار گیرد تا سیاست‌ها بتوانند اثربخشی واقعی داشته باشند (کاظمی و همکاران، ۱۴۰۰).

۲.۲. سیاست پولی: چارچوب‌های نظری و تحولات نوین

سیاست پولی به عنوان یکی از اهرم‌های کلیدی مدیریت اقتصاد کلان، نقش تعیین‌کننده‌ای در پایداری اقتصادی و رفاه اجتماعی ایفا می‌کند. این سیاست توسط بانک مرکزی با هدف تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها، حمایت از رشد اقتصادی و تنظیم چرخه‌های تجاری به کار گرفته می‌شود. در ادبیات اقتصاد کلان، سیاست پولی نه فقط ابزار کنترل تورم، بلکه

^۱ . Sen

^۲ . Nussbaum

^۳ . Stiglitz et al

^۴ . Krueger & Perri

^۵ . HDI

^۶ . UNDP

^۷ . Helliwell et al

^۸ . Diener & Chan

^۹ . Khawaja et al

مکانیزمی برای تأثیرگذاری بر انتظارات، تخصیص منابع، و پویایی درآمد و اشتغال نیز تلقی می شود (میشکین^۱، ۲۰۱۹).

چارچوب های اعمال سیاست پولی طی دهه های اخیر دستخوش تحولاتی بنیادین شده اند. الگوی کلاسیک پول گرایانه که با آثار فریدمن و شوارتز (۱۹۶۳) شناخته می شود، بر کنترل پایه پولی به عنوان ابزار اصلی تأکید داشت. با این حال، تحولات بازارهای مالی و پیچیدگی انتظارات، منجر به ظهور چارچوب هایی مانند هدف گذاری نرخ بهره، هدف گذاری تورم، و در دهه اخیر، راهنمایی پیش نگر شده است (برنانکه و همکاران^۲، ۲۰۲۲). در این چارچوب ها، نقش انتظارات عقلایی و اعتبار بانک مرکزی در تثبیت محیط کلان اقتصادی، نقشی محوری ایفا می کند (وودفورد^۳، ۲۰۰۳).

امروزه، بسیاری از بانک های مرکزی در اقتصادهای نوظهور و توسعه یافته، سیاست گذاری پولی خود را حول محور هدف گذاری تورم انعطاف پذیر^۴ طراحی می کنند. این سیاست ضمن تمرکز بر تثبیت قیمت، امکان پاسخ دهی به نوسانات تولید و اشتغال را نیز فراهم می سازد (اسونسون^۵، ۲۰۱۰). ابزارهای سیاست پولی نیز از ابزارهای سنتی مانند نرخ بهره بین بانکی، به ابزارهای غیرمتعارفی نظیر خرید دارایی^۶، نرخ های بهره منفی، و عملیات بازار باز ساختاری توسعه یافته اند.

کانال های انتقال سیاست پولی نظیر نرخ بهره، اعتبار، قیمت دارایی ها، نرخ ارز و انتظارات در تعیین تأثیر سیاست بر متغیرهای حقیقی و اسمی نقش دارند (بویون و همکاران^۷، ۲۰۱۰). اهمیت نسبی این کانال ها، بسته به ساختار نهادی، عمق بازارهای مالی و سطح توسعه یافتگی کشورها متفاوت است. به ویژه در اقتصادهایی با نظام مالی بانک محور مانند ایران، کانال اعتباری و نرخ بهره بانکی نقشی کلیدی در انتقال اثرات سیاست ایفا می کند (حسن و همکاران^۸، ۲۰۲۲).

با گسترش ابعاد نابرابری اقتصادی، تمرکز بر پیامدهای توزیعی سیاست پولی افزایش یافته است. مطالعات جدید حاکی از آن است که اثرات سیاست پولی بر خانوارها ناهمگون بوده و می تواند شکاف درآمدی را در کوتاه مدت تشدید نماید (الهرادی و لروی^۹، ۲۰۲۳). برای مثال، پژوهش صندوق بین المللی پول (۲۰۲۳) در منطقه یورو نشان داد که سیاست های انقباضی، رضایت ذهنی از زندگی را کاهش داده و بیشترین آسیب را به گروه های با درآمد متوسط وارد می سازد. این یافته ها منجر به بازنگری هایی در چارچوب ارزیابی اثرات رفاهی سیاست های پولی در بسیاری از کشورها شده است.

تحقیقات اخیر در کشورهای در حال توسعه نیز نشان می دهد که کارایی سیاست پولی در مواجهه با شوک های سمت عرضه، مانند بحران های انرژی یا پاندمی، به شدت کاهش می یابد، مگر آنکه با سیاست های مالی مکمل هم راستا شود (آلپاندا و زوبیری^{۱۰}، ۲۰۲۱). در چنین شرایطی، وابستگی سیاست گذاران به ابزارهای غیرمرسوم، هم چون تسهیل مقداری هدفمند یا اعتباردهی هدایت شده، افزایش می یابد.

در مجموع، سیاست پولی در عصر حاضر صرفاً سیاستی برای تثبیت تورم نیست؛ بلکه باید آن را در بستر اثرات توزیعی، رفاهی، پایداری مالی، و هم افزایی با سیاست های توسعه ای تحلیل کرد. در ادبیات جدید، سیاست پولی به عنوان سازوکاری با پیامدهای اجتماعی گسترده، در هم راستایی با اهداف توسعه پایدار در نظر گرفته می شود.

¹ . Mishkin

² . Bernanke et al

³ . Woodford

⁴ . Flexible Inflation Targeting

⁵ . Svensson

⁶ . QE

⁷ . Boivin et al

⁸ . Hassan et al

⁹ . El Herradi & Leroy

¹⁰ . Alpanda & Zubairy

۳.۲. تأثیر سیاست پولی بر شاخص رفاه اجتماعی

سیاست پولی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی مدیریت اقتصاد کلان، تأثیرات فراتر از متغیرهای سنتی نظیر نرخ تورم و رشد اقتصادی بر جای می‌گذارد. در دهه‌های اخیر، توجه به پیامدهای توزیعی سیاست پولی و اثرات آن بر شاخص‌های رفاه اجتماعی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، افزایش یافته است. رفاه اجتماعی به طور فزاینده‌ای به متغیرهای غیربازاری مانند توزیع درآمد، نابرابری فرصت، امنیت اقتصادی، و حتی سلامت روانی وابسته شده است (استیگلیتز و همکاران، ۲۰۱۸). از این رو، تحلیل اثر سیاست پولی بر رفاه اجتماعی نیازمند درک عمیق‌تری از سازوکارهای انتقال و زمینه‌های نهادی حاکم بر ساختارهای اقتصادی است.

۱.۳.۲. کانال‌های انتقال سیاست پولی به رفاه اجتماعی

سیاست پولی به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که بانک مرکزی برای تنظیم عرضه پول، نرخ بهره، و نقدینگی انجام می‌دهد تا اهداف کلان اقتصادی مانند کنترل تورم، رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال تحقق یابد (میشکین^۱، ۲۰۱۹). تأثیر سیاست پولی بر رفاه اجتماعی، موضوعی پیچیده و چندبعدی است که از طریق مکانیسم‌های مختلف انتقال یا کانال‌های سیاست پولی اعمال می‌شود. در این بخش، به بررسی این کانال‌ها و نحوه اثرگذاری آن‌ها بر رفاه اجتماعی پرداخته می‌شود. یکی از اولین و مهم‌ترین کانال‌های انتقال سیاست پولی، کانال نرخ بهره است. بانک مرکزی با تغییر نرخ بهره رسمی، هزینه تأمین مالی برای بانک‌ها و در نهایت برای بنگاه‌ها و خانوارها را تغییر می‌دهد. کاهش نرخ بهره باعث افزایش تمایل به سرمایه‌گذاری و مصرف می‌شود که منجر به افزایش رشد اقتصادی و اشتغال می‌گردد (برنانکه و گرترلر^۲، ۱۹۹۵). رشد اقتصادی، بهبود درآمد و اشتغال موجب ارتقای رفاه اجتماعی از طریق افزایش دسترسی افراد به منابع مالی و کاهش بیکاری می‌شود (بلانچارد و گالی^۳، ۲۰۱۰). از سوی دیگر، افزایش نرخ بهره می‌تواند هزینه‌های استقراض را بالا برده و مصرف و سرمایه‌گذاری را کاهش دهد که این موضوع به‌طور موقت رفاه را تحت فشار قرار می‌دهد ولی ممکن است در بلندمدت با کنترل تورم، ثبات اقتصادی و رفاه را بهبود بخشد (میشکین، ۲۰۱۹).

دومین کانال انتقال سیاست پولی به رفاه اجتماعی، کانال اعتبارات می‌باشد. وقتی بانک مرکزی سیاست پولی انقباضی اتخاذ می‌کند، محدودیت در نقدینگی موجب کاهش توان بانک‌ها برای ارائه وام می‌شود (برنانکه و گرترلر، ۱۹۹۵). این محدودیت اعتبار، تأثیر قابل توجهی بر بنگاه‌های کوچک و متوسط که به منابع مالی داخلی وابسته‌ترند، دارد و می‌تواند منجر به کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی شود.

کاهش رشد اقتصادی و افزایش بیکاری در این شرایط، به طور مستقیم رفاه اجتماعی را کاهش می‌دهد، به خصوص در گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه (کارول و همکاران^۴، ۲۰۱۷). برعکس، سیاست پولی انبساطی می‌تواند با تسهیل اعتباردهی، فرصت‌های شغلی و درآمد را افزایش دهد و رفاه را بهبود بخشد.

سومین کانال، کانال انتظارات از طریق تأثیر سیاست پولی بر انتظارات فعالان اقتصادی درباره تورم، رشد اقتصادی و شرایط آتی بازار عمل می‌کند. انتظارات مثبت نسبت به سیاست‌های پولی می‌تواند رفتار مصرفی و سرمایه‌گذاری را تحریک

1. Mishkin

2. Bernanke & Gertler

3. Blanchard & Gali

4. Carroll et al

کند و به رشد اقتصادی کمک نماید (وودفورد^۱، ۲۰۰۳). برعکس، عدم قطعیت و انتظارات تورمی نامطلوب می تواند باعث کاهش سرمایه گذاری، افزایش هزینه های اقتصادی و بی ثباتی بازار شود که نهایتاً رفاه اجتماعی را تهدید می کند (کلاریدا و همکاران^۲، ۱۹۹۹). کانال انتظارات همچنین نقش مهمی در ثبات قیمت ها دارد؛ اگر سیاست پولی بتواند انتظارات تورمی را مهار کند، از تورم مزمن جلوگیری کرده و قدرت خرید خانوارها را حفظ می کند که یکی از ابعاد حیاتی رفاه اجتماعی است (میشکین، ۲۰۱۹).

چهارمین کانال، کانال قیمت دارایی ها می باشد. سیاست های پولی بر قیمت دارایی ها مانند سهام، مسکن و اوراق قرضه اثرگذار هستند. کاهش نرخ بهره باعث افزایش قیمت دارایی ها می شود که به ثروت افراد می افزاید و مصرف آن ها را تحریک می کند (برنانکه و گرتر، ۱۹۹۵). افزایش ثروت از طریق قیمت دارایی ها می تواند رفاه خانوارها را بهبود بخشد، اما این اثرات در صورتی که توزیع دارایی ها نامتقارن باشد، می تواند نابرابری ها را تشدید کند (میان و سوفی^۳، ۲۰۱۴). پنجمین کانال، کانال نرخ ارز می باشد. در اقتصادهای باز، سیاست پولی بر نرخ ارز تأثیر می گذارد و از طریق تغییر نرخ ارز، صادرات و واردات تحت تأثیر قرار می گیرند. تغییرات نرخ ارز می تواند بر تولید و اشتغال بخش صادرات محور اثرگذار باشد و در نتیجه رفاه اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد (ابستفلد و روگوف^۴، ۱۹۹۵). کاهش ارزش پول ملی معمولاً به تورم وارداتی منجر می شود که قدرت خرید خانوارها را کاهش داده و رفاه را به مخاطره می اندازد (شهباز و همکاران، ۲۰۲۲).

۲.۳.۲. پیامدهای توزیعی سیاست پولی

یکی از مهم ترین ابعاد مورد بررسی در سال های اخیر، اثرات توزیعی سیاست پولی است. مطالعات مختلف نشان داده اند که تغییرات در نرخ بهره می تواند به شکل نابرابر بر گروه های درآمدی تأثیر بگذارد. به عنوان مثال، مطالعه ای در منطقه یورو نشان داد که شوک های انقباضی در سیاست پولی بیشتر به ضرر گروه های با درآمد متوسط و پایین است، در حالی که صاحبان دارایی عمدتاً از سیاست های انبساطی نظیر خرید دارایی منتفع می شوند (الهرادی و لروی^۵، ۲۰۲۳). همچنین، کاهش نرخ بهره ممکن است منجر به افزایش قیمت دارایی ها و در نتیجه، افزایش نابرابری ثروت شود (آمپودیا و همکاران^۶، ۲۰۱۸). مطالعه سوئترف^۶ (۲۰۲۳) نشان می دهد که اثر سیاست پولی بر درآمد نیروی کار، شکل U دارد؛ به این معنا که اقشار با درآمد بالا و پایین، بیشترین نوسان درآمدی را تجربه می کنند. از سوی دیگر، بررسی های انجام شده در اقتصادهای نوظهور مانند ترکیه، هند و ایران حاکی از آن است که ضعف در ساختار نهادی و تسلط بودجه ای می تواند اثربخشی سیاست پولی را در بهبود رفاه اجتماعی کاهش دهد (حسن و همکاران، ۲۰۲۲).

۳.۳.۲. رفاه ذهنی و رضایت از زندگی

علاوه بر اثرات مادی، سیاست پولی می تواند بر جنبه های ذهنی رفاه، نظیر رضایت از زندگی، امید به آینده، و امنیت اقتصادی نیز تأثیر بگذارد. مطالعه ای توسط صندوق بین المللی پول در منطقه یورو نشان داد که افزایش نرخ بهره، منجر به کاهش محسوس رضایت از زندگی در میان خانوارها شده است. این کاهش معادل تأثیر کاهشی ۳ تا ۵ درصدی در درآمد

¹ . Woodford

² . Clarida et al

³ . Mian & Sufi

⁴ . Obstfeld & Rogoff

⁵ . Ampudia et al

⁶ . SUERF

واقعی برآورد شده است (الهرادی و لروی، ۲۰۲۳). بر همین اساس، برخی پژوهشگران خواستار لحاظ کردن شاخص‌های رفاه ذهنی در ارزیابی سیاست‌های پولی شده‌اند (هلیول و همکاران، ۲۰۲۳). با توجه به مباحث فوق، می‌توان نتیجه گرفت که تأثیر سیاست پولی بر رفاه اجتماعی، چندبعدی و پویا است. از یک سو، سیاست پولی می‌تواند از طریق تحریک تقاضا، ایجاد اشتغال، و تثبیت قیمت‌ها به بهبود رفاه کمک کند. از سوی دیگر، در صورت نادیده گرفتن پیامدهای توزیعی، این سیاست می‌تواند به افزایش نابرابری و تضعیف عدالت اجتماعی بینجامد. بنابراین، طراحی سیاست پولی در عصر کنونی باید فراتر از هدف گذاری تورم، در چارچوب توسعه پایدار، عدالت اقتصادی و ارتقای شاخص‌های چندگانه رفاه اجتماعی انجام گیرد.

۴.۲. اهمیت و ضرورت ساخت شاخص ترکیبی و بومی رفاه اجتماعی

روندهای جهانی در حوزه حکمرانی توسعه و رفاه در دو دهه گذشته نشان داده است که اتکای صرف به شاخص‌های اقتصادی تک‌بعدی نظیر تولید ناخالص داخلی دیگر نمی‌تواند بازتاب‌دهنده‌ی واقعی کیفیت زندگی، عدالت اجتماعی و پایداری توسعه باشد. این رویکرد تک‌محور، نه تنها بسیاری از ابعاد اجتماعی، روانی، فرهنگی و زیست‌محیطی رفاه را نادیده می‌گیرد، بلکه در کشورهای در حال توسعه که با چالش‌های ساختاری، نابرابری تاریخی و ضعف زیرساخت‌های اجتماعی مواجه‌اند، موجب انحراف سیاست‌گذاری از اهداف انسانی و فراگیر توسعه می‌شود (کونستانسا و همکاران^۱، ۲۰۱۶).

بر این اساس، ساخت شاخص‌های ترکیبی که بتوانند ابعاد مختلف رفاه را در قالب یک چارچوب مفهومی جامع، قابل سنجش و سیاست‌پذیر منعکس کنند، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود. شاخص‌های ترکیبی این قابلیت را دارند که از طریق ادغام ابعاد مختلف همچون سلامت، آموزش، امنیت اجتماعی، مشارکت مدنی، پایداری محیط زیست، رضایت ذهنی، و کیفیت روابط اجتماعی، تصویری جامع‌تر و انسانی‌تر از وضعیت رفاه ترسیم کنند (بوآرینی و همکاران^۲، ۲۰۱۴). با این حال، یکی از مهم‌ترین انتقادات وارد بر شاخص‌های ترکیبی جهانی، بی‌توجهی نسبی به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشورهاست که می‌تواند منجر به برداشت‌های ناقص یا حتی گمراه‌کننده در سطح ملی شود.

در این زمینه، بومی‌سازی شاخص رفاه اجتماعی به معنای انطباق ساختار مفهومی، ابعاد سنجش، و وزن‌دهی متغیرها با ویژگی‌های نهادی، فرهنگی و ارزشی جامعه مقصد است. به عنوان مثال، در جوامعی مانند ایران که خانواده، دین، سرمایه اجتماعی محلی، و عدالت توزیعی از ارزش‌های بنیادین تلقی می‌شوند، نادیده‌گیری این عناصر در ساخت شاخص‌های رفاه، موجب خلأ در ارزیابی و ضعف در جهت‌گیری سیاست‌ها خواهد شد (هاگرتی و لند^۳، ۲۰۰۷). افزون بر این، مسائل خاص اقتصادی نظیر نوسانات ساختاری، تورم مزمن، اشتغال ناپایدار و نابرابری منطقه‌ای، ایجاب می‌کند که شاخص‌های رفاه متناسب با اقتضائات محلی طراحی شوند.

در واقع، فقدان شاخص بومی موجب می‌شود که تصمیم‌گیران اقتصادی صرفاً بر پایه شاخص‌هایی تصمیم‌گیری کنند که لزوماً بازتاب‌دهنده شرایط زیسته‌ی اقشار مختلف جامعه نیستند. این مسئله، نه تنها اثربخشی سیاست‌های رفاه را کاهش می‌دهد، بلکه در بلندمدت به تضعیف سرمایه اجتماعی، افزایش احساس نارضایتی و کاهش اعتماد عمومی به نظام حکمرانی

^۱ . Costanza et al

^۲ . Boarini et al

^۳ . Hagerty & Land

منجر می‌شود (دل‌هی و کرول^۱، ۲۰۱۳).

علاوه بر این، شاخص‌های ترکیبی بومی این امکان را فراهم می‌سازند که رابطه متقابل سیاست‌های کلان - مانند سیاست پولی، مالی یا سیاست‌های بازار کار - با رفاه اجتماعی به صورت دقیق‌تری مدل‌سازی و ارزیابی شود. این قابلیت برای کشورهایی که با محدودیت منابع و چالش‌های متنوع توسعه مواجه‌اند، اهمیت دوچندان دارد. بنابراین، طراحی و تدوین شاخص رفاه اجتماعی ترکیبی و بومی شده، نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی استراتژیک برای تحقق توسعه انسانی پایدار و کارآمد است.

۳. روش تحقیق

۱.۳. معرفی متغیرهای شاخص رفاه ترکیبی و بومی رفاه اجتماعی

به طور کلی، دو دسته شاخص برای سنجش رفاه اجتماعی به کار گرفته می‌شود: ۱. شاخص‌های منفرد ۲. شاخص‌های ترکیبی. شاخص‌های منفرد رفاه اجتماعی، شاخص‌هایی است که تنها توان سنجش و ارزیابی بُعدی خاص را از رفاه اجتماعی دارد؛ مثلاً درآمد ملی سرانه، شاخصی منفرد است که در آن فقط به بُعد مصرف در رفاه جامعه توجه می‌شود. در مقابل، شاخص‌های ترکیبی که تجمیعی از شاخص‌های منفرد است، مانند شاخص ترکیبی رفاه اجتماعی تخمین رفاه برای شرایط ایران را از ابعاد مختلف اندازه‌گیری می‌کند. امروزه شاخص‌های ترکیبی با مزیت توانایی در خلاصه کردن مقدار فراوان اطلاعات، در جهت دستیابی به سادگی در درک و فهم عمومی و ارائه تحلیل نهایی، بیشتر محل توجه پژوهشگران قرار دارد.

شاخص‌هایی همچون شاخص سن، شاخص توسعه انسانی، شاخص رفاه اقتصادی (اوسبرگ^۲، ۱۹۹۹)، شاخص رفاه اقتصادی پایدار (دیلی، ۱۹۹۵)، شاخص جامعه‌ی پایدار (فاسولو^۳، ۲۰۱۱) و شاخص لگاتوم^۴ (۲۰۱۲) از جمله شاخص‌های ترکیبی رفاه اجتماعی است که امروزه، کاربرد بیشتری در پژوهش‌ها دارد. انتقادی که همواره به این شاخص‌ها وارد است، بومی نبودن آنها و بهره نبردن از دانش محلی^۵ در تدوین آنهاست. رفاه اجتماعی از ابعاد مختلفی تشکیل می‌شود؛ به همین دلیل، اندازه‌گیری و ارزیابی آن نیز مستلزم داشتن رویکردی چندبُعدی است.

هدف این مطالعه تدوین یک شاخص بومی رفاه اجتماعی با ابعاد مختلف، ارزیابی روند رفاه اجتماعی با استفاده از آن و بررسی مهم‌ترین عوامل مرتبط با آن می‌باشد. لازم به ذکر است برای بدست آوردن شاخص رفاه بومی شده، نخست شاخصی برای سنجش رفاه اجتماعی در ایران و متناسب با شرایط این کشور با استفاده از مطالعه محقی کمال و همکاران (۱۳۹۲) طراحی شد و سپس روند رفاه اجتماعی در ۲۸ سال اخیر از ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۲ اندازه‌گیری گردید. لذا برای بدست آوردن شاخص رفاه بومی شده از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۹۰ را از مطالعه محقی کمال و همکاران (۱۳۹۲) استفاده نموده و از سال ۱۳۹۱ الی سال ۱۴۰۲ را به تبعیت از روش استفاده شده در آن مطالعه بدست آمده است.

¹ Delhey & Kroll

² Osberg

³ Fasolo

⁴ Legatume prosperity index

⁵ Local knowledge

به منظور سنجش و اندازه‌گیری شاخص بومی رفاه اجتماعی، از دو زیر شاخص اقتصادی، زیرشاخص آسایش و زیرشاخص فلاکت استفاده گردیده است.

در زیرشاخص آسایش هفت متغیر: میزان باسواد، میانگین مالکیت مسکن، درآمد ملی سرانه، شدت مرگ و میر کودکان، میانگین ثبت نام در مدرسه، پوشش بیمه تامین اجتماعی و امید به زندگی در بدو تولد مورد محاسبه قرار گرفته است.

در زیر شاخص فلاکت سه متغیر: سطح تورم، ضریب جینی و شدت بیکاری مورد محاسبه قرار گرفته است. تمام این ده متغیر ذکر شده در محاسبه شاخص بومی رفاه اجتماعی به تبعیت از مطالعه محققان کمال و همکاران (۱۳۹۲) با وزن یکسان لحاظ شده اند.

جدول ۱: تعریف متغیرهای شاخص رفاه اجتماعی ترکیبی

منبع	تعریف	متغیر
بانک مرکزی	نرخ باسوادی در هر جامعه از تقسیم تعداد افراد با سواد در یک سن یا گروه سنی معین به جمعیت آن سن یا گروه سنی محاسبه می شود. نرخ باسوادی ارائه شده مربوط به جمعیت ۶ سال و بالاتر می باشد.	نرخ باسوادی
مرکز آمار ایران	درصد توزیع خانوارها بر حسب نحوه تصرف مسکن در هر سال	میانگین مالکیت مسکن
بانک مرکزی	تعداد کل دانش آموزان مقطع ابتدایی تقسیم بر جمعیت کل افراد بالای ۷ تا ۱۹ سال	میانگین ثبت نام در مدرسه
بانک مرکزی	ضریب جینی از شاخص های مهم اندازه گیری نابرابری توزیع درآمد می باشد. اندازه این شاخص بین صفر (معرف جامعه ای با برابری کامل توزیع درآمد) و یک (نمایانگر عدم برابری توزیع درآمد در جامعه) تغییر می کند.	ضریب جینی
بانک جهانی WDI	نشان دهنده ی تعداد سال هایی است که یک نوزاد تازه متولد شده زندگی می کند	نرخ امید به زندگی در بدو تولد
مرکز آمار ایران	تعداد افراد مستمری بگير سازمان تامین اجتماعی تقسیم بر تعداد کل جمعیت کشور در همان سال	نرخ پوشش تامین اجتماعی
بانک مرکزی	تولید (درآمد) ناخالص ملی بر حسب فعالیتهای اقتصادی (به قیمتهای جاری) تقسیم بر جمعیت کل کشور برای همان سال. سال پایه ۱۳۹۰	درآمد ملی سرانه
بانک مرکزی	نرخ تورم منتهی به هر ماه از محاسبه درصد تغییر متوسط شاخص CPI در دوازده ماه منتهی به ماه مورد نظر نسبت به دوره مشابه قبل به دست می آید.	نرخ تورم
بانک مرکزی	نرخ بیکاری عبارت است از نسبت تعداد جمعیت بیکار (۱۰ ساله و بیشتر) (جویای کار) به کل جمعیت فعال (۱۰ ساله و بیشتر) (شاغل و بیکار) ضرب در ۱۰۰	نرخ بیکاری
بانک جهانی WDI	نرخ مرگ و میر زیر پنج سال یک نوزاد متولد شده قبل از رسیدن به پنج سالگی در هر ۱۰۰۰ تولد	میزان مرگ و میر نوزادان

داده‌های مورد استفاده برای متغیرهای تحقیق، به صورت داده‌های سری زمانی سالانه می باشد.

۲.۳. روش و محاسبه متغیرهای شاخص رفاه ترکیبی و بومی رفاه اجتماعی

مرحله ۱: چارچوب نظری: به عنوان اولین و اساسی ترین گام، یک چارچوب نظری باید ایجاد شود تا زمینه ای برای انتخاب یا ترکیب شاخص های فردی ایجاد شود تا یک شاخص ترکیبی معنادار شکل گیرد. بنابراین، یک چارچوب نظری مناسب، نقطه شروعی برای انتخاب نمایشگر اصلی و فردی و ایجاد و ساخت نمایشگرهای ترکیبی است.

مرحله ۲: متغیرها را انتخاب کنید: نقاط قوت و ضعف شاخص های ترکیبی عمدتاً به دلیل کیفیت متغیرهای اصلی است. نوع متغیر انتخاب شده، ورودی، خروجی یا نشانگر فرآیند، باید با تعریف قرار داده شده در نمایشگر ترکیبی مطابقت داشته باشد.

مرحله ۳: تخصیص داده های از دست رفته: داده های از دست رفته اغلب از ایجاد و توسعه نمایشگرهای هیبریدی با کارایی بالا جلوگیری می کند. سه راه کلی برای حل مشکل داده های از دست رفته وجود دارد: حذف نقطه ۲. تک انتساب ۳. تخصیص چندگانه.

مرحله ۴: تجزیه و تحلیل چند متغیره: متأسفانه گاهی اوقات شاخص های فردی خودسرانه انتخاب می شوند و توجه زیادی به روابط بین آنها نمی شود. این امر می تواند باعث سردرگمی و سردرگمی تصمیم گیرندگان و اعضای جامعه شود. ماهیت بنیادی داده ها مستلزم آن است که قبل از ایجاد یک شاخص ترکیبی، آن ها به دقت تجزیه و تحلیل شوند. اطلاعات را می توان حداقل در دو بعد از مجموعه داده ها یعنی شاخص های فردی و گروهی تجزیه و تحلیل و گروه بندی کرد.

مرحله ۵: نرمال کردن داده ها: قبل از هر گونه تجمیع داده، نرمال سازی برای تولید نمایشگر برای مجموعه داده با واحدهای اندازه گیری مختلف مورد نیاز است. مبنای نرمال سازی برای ساخت یک شاخص ترکیبی در این پایان نامه، روش استانداردسازی (Z-Score) است. این روش تفاضل هر اشاره گر را نسبت به میانگین بدست آورده و نتایج را بر انحراف معیار همان اشاره گر تقسیم می نماید و متغیر نرمال را اندازه گیری می کند. این می تواند هدفی برای رسیدن به یک چارچوب زمانی باشد. در این تحقیق از استاندارد سازی با نمرة Z به صورت زیر استفاده شده:

$$Z = (X_i - \bar{X}) / \text{STD} \quad (1)$$

که X_i متغیر i ام ورودی، $\bar{X}$ و STD به ترتیب میانگین و انحراف معیار ورودی مدنظر است.

مرحله ۶: وزن دهی و تجمیع سازی: هنگام ایجاد شاخص های ترکیبی، گاهی اوقات لازم است وزن و درجه اهمیت هر یک از شاخص ها و شاخص های جداگانه در هنگام ایجاد شاخص ترکیبی محاسبه شود. برخی از انواع رایج روش های وزن دهی عبارتند از: تحلیل عاملی، روش تحلیل پوششی داده ها، افکار عمومی (خرد جمعی) و تحلیل متقابل (تحلیل مشترک). در مورد روش های تجمیع، یکی از ساده ترین روش های تجمیع، محاسبه رتبه بندی هر کشور بر اساس شاخص های فردی و جمع آوری رتبه های حاصل است. در این تحقیق از روش وزن دهی استفاده شد.

مرحله ۷: تجزیه و تحلیل عملکرد و حساسیت: تحلیل حساسیت برای ارزیابی قدرت اندیکاتورهای ترکیبی استفاده می شود. استراتژی هایی که می توانند برای ارزیابی عدم قطعیت استفاده شوند عبارتند از:

۱. حذف یا در نظر گرفتن شاخص های فردی. ۲. مدل سازی خطای داده. ۳. استفاده از روش ها و طرح های مختلف ویرایش مانند تکالیف یا چند تکلیف. ۴. استفاده از روش ها و طرح های مختلف نرمال سازی داده ها مانند روش حداقل

حداکثر، استانداردسازی یا رتبه بندی. ۵. استفاده از روش‌های مختلف وزن دهی. ۶. استفاده از سیستم‌های مختلف تجمیع مانند خطی، میانگین هندسی، متغیرهای مقیاس شده و مرتب سازی چند معیاره. در نهایت پس از محاسبه، امتیاز شاخص ترکیبی و بومی شده رفاه اجتماعی از سال‌های ۱۳۷۰ الی ۱۳۴۲ در جدول (۲) آورده شده است.

جدول ۲: امتیاز شاخص ترکیبی رفاه اجتماعی کشور در سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۲

امتیاز شاخص	سال	امتیاز شاخص	سال	امتیاز شاخص	سال
11.65	۱۳۹۲	6.65	۱۳۸۱	3.85	۱۳۷۰
11.23	۱۳۹۳	6.09	۱۳۸۲	5.25	۱۳۷۱
10.64	۱۳۹۴	7.94	۱۳۸۳	4.81	۱۳۷۲
9.97	۱۳۹۵	8.19	۱۳۸۴	6.27	۱۳۷۳
9.23	۱۳۹۶	8.99	۱۳۸۵	7.8	۱۳۷۴
8.78	۱۳۹۷	10.22	۱۳۸۶	7.31	۱۳۷۵
8.7	۱۳۹۸	11.85	۱۳۸۷	6.03	۱۳۷۶
8.4	۱۳۹۹	11.44	۱۳۸۸	6.16	۱۳۷۷
7.8	۱۴۰۰	13.22	۱۳۸۹	7.29	۱۳۷۸
7.6	۱۴۰۱	13.42	۱۳۹۰	8.33	۱۳۷۹
7.5	۱۴۰۲	12.56	۱۳۹۱	8.47	۱۳۸۰

منبع: محاسبات محقق

۳.۳. تصریح مدل

به منظور بررسی ارتباط بین سیاست پولی دولت و رفاه اجتماعی با تاکید بر شاخص ترکیبی و بومی رفاه اجتماعی در کشور ایران از معادله (۲) استفاده شده است:

$$W_t = c_0 + c_1 M_t + c_2 RIR_t + c_3 BC_t + c_4 MF_t + \varepsilon_t \quad (2)$$

W : شاخص ترکیبی و بومی شده رفاه اجتماعی می باشد (محاسبه شده در بخش ۳-۱).

M : در اقتصاد M_2 یکی از مهم ترین سنجه‌های عرضه پول (Money Supply) است که نقش کلیدی در تحلیل‌های پولی و سیاست گذاری اقتصادی دارد. این شاخص نمایانگر پول در گردش با نقدشوندگی بالا به همراه شبه پول است و به نوعی نشان دهنده‌ی عرضه کل نقدینگی اقتصاد با گستردگی متوسط محسوب می شود.

RIR : نرخ بهره حقیقی می باشد که به صورت نرخ بهره اسمی منهای نرخ تورم محاسبه می شود.

BC : حجم اعتبارات بانکی می باشد که به صورت حجم اعتبارات اعطایی توسط بانک‌های دولتی و خصوصی تعیین می شود.

MF : نوسانات حجم پول منتشره توسط بانک مرکزی می باشد که از طریق مدل‌های ARCH و GARCH در اقتصادسنجی استخراج می گردد.

۴. برآورد مدل و تجزیه و تحلیل آن

به منظور برآورد الگوی تحقیق از روش خودرگرسیون با وقفه‌های توضیحی ۱ استفاده گردید. مزیت‌های این روش عبارتند از:

روش ARDL به دلیل در نظر گرفتن واکنش‌های پویای کوتاه مدت موجود میان متغیرها، برآورد بدون تورشی از ضرایب بلند مدت بدست داده و در نمونه‌های کوچک نتایج قابل اعتمادتری ارائه می‌دهد. مزیت این روش نسبت به سایر روش‌ها این است که نیازی به یکسان بودن درجه همجمعی متغیرهای موجود در مدل نیست و تنها کافی است که متغیرهای الگو انباشته از درجه ۲ و بالاتر نباشند. مزیت دیگر این روش این است که علاوه بر برآورد روابط بلند مدت امکان برآورد روابط پویا و کوتاه مدت و سرعت تعدیل عدم تعادل کوتاه مدت را فراهم می‌سازد (نوفرستی ۱۳۸۹) و تشکینی (۱۳۸۴).

۱.۴. آزمون مانایی

جهت انجام آزمون مانایی از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته استفاده شده است که در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول ۳: نتایج مانایی متغیرها بر اساس آزمون دیکی فولر تعمیم یافته

متغیر	آزمون ریشه واحد	t آماره	احتمال	نتیجه
W	ADF	-1.955981	0.3033	نامانا
D(W)	ADF	-3.997756	0.0051	I(1)-مانا
M	ADF	-0.954969	0.7543	نامانا
D(M)	ADF	-3.841605	0.0074	I(1)-مانا
RIR	ADF	-3.650171	0.0448	I(0)-مانا
BC	ADF	-1.640660	0.4489	نامانا
D(BC)	ADF	-4.506054	0.0015	I(1)-مانا
MF	ADF	-3.943148	0.0058	I(0)-مانا

منبع: محاسبات محقق

نتایج حاصل از جدول (۳) نشان داد که کلیه متغیرها به جز شاخص نرخ بهره حقیقی و نوسانات حجم پول با یک مرتبه تفاضل‌گیری مانا شده‌اند ولی متغیر نرخ بهره حقیقی و نوسانات حجم پول در سطح مانا می‌باشد.

۲.۴. تخمین ضرایب کوتاه مدت

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول (۴) میزان آماره t بر اساس مقدار برآورد شده ضریب متغیر شاخص ترکیبی رفاه (W) و انحراف معیار آن به صورت زیر محاسبه گردید.

جدول ۴: نتایج اثرات پویای کوتاه مدت الگو

متغیرها	ضریب	آماره t	احتمال
W(-1)	0.947558	8.439782	0.0000
W(-2)	-0.257037	-3.403200	0.0028
LOG(M)	-1.210539	-5.052394	0.0001
RIR	-0.053571	-4.138969	0.0005
LOG(BC)	1.378454	5.610358	0.0000
LMF	-8.732906	-3.068779	0.0061
C	0.135054	1.305532	0.2128
DW-statistic:		۰/۸۹	R2 :

منبع: محاسبات محقق

با مقایسه مقدار به دست آمده با مقدار بحرانی که برنجی و دولادو و مستر گزارش کرده اند (۳/۷۲)، مشاهده می شود که وجود رابطه بلند مدت تأیید می گردد. لازم به ذکر است به منظور تخمین مدل ARDL، بر اساس معیار آکائیک (AIC)، شوارتز بیزین (BS)، و حنان کوین (HQ) وقفه دو به عنوان وقفه بهینه در نظر گرفته شده است. ضریب تعیین مدل، R2 برابر با ۸۹٪ برآورد شده است، که نشان دهنده این است ۸۹٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل لحاظ شده در مدل توضیح داده می شود.

۳.۴. تخمین ضرایب بلندمدت

جدول ۵: نتایج اثرات بلند مدت الگو

متغیرها	ضرایب	آماره t	احتمال
LOG(M)	-3.911530	-3.401466	0.0028
RIR	-0.173101	-2.410659	0.0257
LOG(BC)	4.454104	3.974888	0.0007
LMF	-28.218040	-2.783535	0.0115

منبع: یافته های تحقیق

با توجه به نتایج به دست آمده از اثرات بلند مدت الگو در جدول (۵) نتایج مربوط به برآورد الگوی بلند مدت نشان داد که حجم پول منتشره توسط بانک مرکزی، تأثیر منفی و معنی داری بر شاخص ترکیبی و بومی رفاه اجتماعی داشته است. به طوری که به ازای یک درصد افزایش در حجم پول، به طور متوسط با ثابت بودن سایر شرایط شاخص ترکیبی رفاه به میزان ۳/۹۱ درصد کاهش یافته است. نرخ بهره حقیقی، تأثیر منفی و معنی داری بر شاخص ترکیبی و بومی رفاه اجتماعی داشته است. به طوری که به ازای یک درصد افزایش در نرخ بهره حقیقی، به طور متوسط با ثابت بودن سایر شرایط شاخص ترکیبی رفاه به میزان ۰/۱۷ درصد کاهش یافته است. حجم اعتبارات اعطایی، تأثیر مثبت و معنی داری بر شاخص ترکیبی و بومی رفاه اجتماعی داشته است. به طوری که به ازای یک درصد افزایش در حجم اعتبارات، به طور متوسط با ثابت بودن سایر شرایط شاخص ترکیبی رفاه به میزان ۴/۴۵ درصد افزایش یافته است. نوسانات حجم پول، تأثیر منفی و معنی داری شاخص ترکیبی و بومی رفاه اجتماعی داشته است. به طوری که به ازای یک درصد افزایش در نوسانات حجم پول، به طور متوسط با ثابت بودن سایر شرایط شاخص ترکیبی و بومی رفاه اجتماعی به میزان ۲۸/۲۱ درصد کاهش یافته است.

۴.۴. برآورد الگوی تصحیح خطا

وجود هم‌انباشتگی بین تعدادی از متغیرهای اقتصادی، مبنای آماری استفاده از الگوهای تصحیح خطا را تشکیل می‌دهد. دلیل اصلی محبوبیت مدل تصحیح خطا این است که نوسانات کوتاه مدت متغیرها با مقادیر تعادلی بلندمدت آن‌ها مرتبط است. این مدل‌ها در واقع نوعی مدل برازش جزئی هستند که در آن نیروهای کوتاه‌مدت و سرعت نزدیک شدن به مقدار تعادل بلندمدت با وارد کردن مناسبت‌ها از یک رابطه بلندمدت اندازه‌گیری می‌شوند (تشکینی، ۱۳۸۴). مدل تصحیح خطای برداری از ترکیبی از اطلاعات بلند مدت با مکانیزم تعدیل کوتاه مدت استفاده می‌کند. به عبارت دیگر، نوسانات کوتاه مدت یک متغیر با مقدار بلندمدت آن مرتبط است. در این مدل از باقیمانده معادله همگرایی به عنوان متغیر استفاده شده و ضریب آن به عنوان ضریب تعدیل کوتاه مدت در نظر گرفته می‌شود. تخمین تابع کوتاه مدت توسط مدل تصحیح خطا به گونه‌ای است که گزاره‌های خطای مربوط به رگرسیون انباشته بلندمدت با یک بازه زمانی به عنوان متغیر توضیحی در کنار اختلاف مرتبه اول سایر متغیرهای مدل قرار می‌گیرند. مربع‌های معمولی ضرایب الگو را تخمین می‌زنند. مقدار این ضریب بین منهای یک و صفر است و روابط بین نوسانات کوتاه مدت و مقدار بلندمدت یک متغیر را نشان می‌دهد (شیرینبخش و خوانساری، ۱۳۸۴). این ضریب نشان می‌دهد که در هر دوره چند درصد از عدم تعادل متغیر وابسته تعدیل می‌شود و به رابطه بلندمدت نزدیک می‌شود.

جدول ۶: نتایج الگوی ECM

متغیرها	ضرایب	آماره t	احتمال
CointEq(-1)*	-0.309480	-4.684818	0.0001

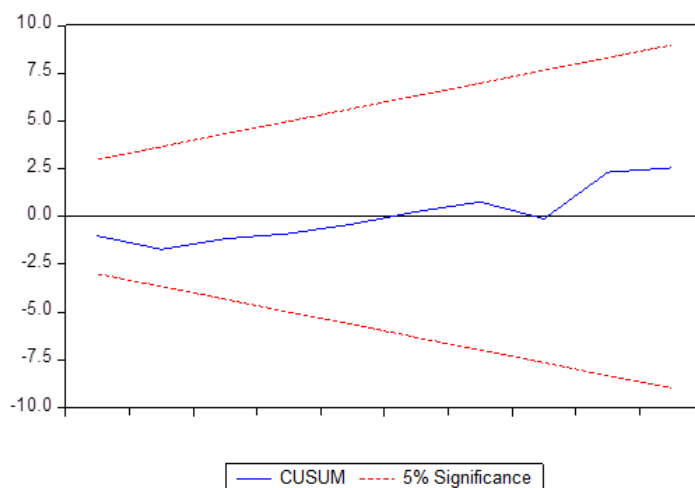
منبع: محاسبات محقق

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول (۶)، ضریب مدل تصحیح خطا برابر $0/30$ - بوده که از لحاظ آماری نیز معنی‌دار است. با توجه به ضریب تصحیح خطا در مدل ECM می‌توان تشریح نمود، تعدیل به سمت مقدار تعادلی و بلندمدت طی حدود ۳ دوره صورت خواهد گرفت، به‌طوری که هر سال حدود ۳۰ درصد خطای عدم تعادل تعدیل گردیده و مقدار کوتاه مدت به سمت مقدار تعادلی و بلند مدت خود میل می‌کند.

۵.۴. سایر آزمون‌های تشخیصی

۱.۵.۴. بررسی پایداری مدل برآورد شده

برای تجزیه و تحلیل نتایج به دست آمده از آزمون ثبات، از ترسیم نموداری آماره‌های CUSUM استفاده شده است. در آزمون CUSUM اگر نمودار تراکم باقی مانده‌های بازگشتی داخل ناحیه بین دو خط بحرانی در سطح ۵ درصد قرار گیرد، رابطه بلند مدت پایدار خواهد بود ولی اگر خارج از ناحیه بین دو خط بحرانی قرار گیرد، رابطه بلند مدت ناپایدار خواهد بود. نتایج مربوط به این آزمون در نمودار ذیل ارائه شده است.



نمودار ۱: آزمون CUSUM برای پایداری الگوی تحقیق

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج نشان می‌دهد که تراکم باقی مانده‌های بازگشتی داخل ناحیه بین دو خط بحرانی در سطح ۵ درصد قرار گرفته است، در نتیجه رابطه بلند مدت پایدار خواهد بود.

۲.۵.۴. آزمون نرمال بودن

به منظور آزمون نرمال بودن جمله خطا از آزمون جارک- برا استفاده شده است لازم به ذکر است که نرمال بودن باقیمانده‌های مدل شرط لازم برای اعتبار رگرسیونی است. فرض صفر و فرض مقابل در این آزمون به صورت زیر می‌باشند:

H_0 : جمله خطا از توزیع نرمال پیروی می‌کند

H_1 : جمله خطا از توزیع نرمال پیروی نمی‌کند

اگر احتمال آماره کمتر از ۵٪ باشد، فرضیه H_0 مبنی بر نرمال بودن جمله خطا و متغیر وابسته رد می‌شود. در جدول (۹-۴) میزان آماره و معناداری آزمون جارک برا برای عبارت جزء خطای مدل برآورد شده، ارائه شده است.

جدول ۷: نتایج حاصل از آزمون جارک برا

متغیر	آماره جارک برا	احتمال
عبارت جزء خطا	۲/۵۱۴۳	۰/۲۸۴۴

منبع: محاسبات محقق

با توجه به این که آماره جارک - برا برای نرمال بودن عبارت جزء خطا کوچک تر از ۵/۹۹ است و احتمال مربوط به آماره جارک - برا برای نرمال بودن بایستی از ۰/۰۵ بزرگ تر باشد فرض صفر مبنی بر نرمال بودن عبارت جزء خطا تأیید می‌گردد.

۳.۵.۴. آزمون ناهمسانی واریانس

در این مطالعه به منظور بررسی ناهمسانی واریانس از آزمون آرچ استفاده شده است. در جدول (۸) نتایج حاصل از بررسی ناهمسانی واریانس نشان داده شده است. فرض صفر و فرض مقابل در این آزمون به صورت زیر می باشند:

H_0 : همسانی واریانس وجود دارد

H_1 : همسانی واریانس وجود ندارد

جدول ۸: نتایج آزمون ناهمسانی واریانس آرچ

آماره F	احتمال	نتیجه	روش تخمین
۰/۰۲۹۶	۰/۸۶۴۹	عدم ناهمسانی واریانس	OLS

منبع: محاسبات محقق

نتایج مندرج در جدول (۸) نشان می دهد که احتمال آماره محاسبه شده در آزمون آرچ برای عبارت جزء خطای مدل بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد از این رو فرضیه H_0 این آزمون مبنی بر همسان بودن واریانس رد نمی شود. در نتیجه برای تخمین این مدل ها روش OLS استفاده می شود که مورد تأیید می باشد.

۴.۵.۴. آزمون خودهمبستگی

در این پژوهش از آماره دوربین - واتسون^۱ برای تشخیص خود همبستگی استفاده شده است. این آماره به مانند آماره F یا آماره t دارای سطح معناداری نیست، بنابراین به طور تجربی ثابت شده است که اگر بین عدد ۱/۵ تا ۲/۵ باشد، مشکل خود همبستگی وجود ندارد. در صورت وجود خود همبستگی، می توان از روش GLS برای برطرف کردن خود همبستگی استفاده نمود.

جدول ۹: نتایج آزمون عدم خود همبستگی عبارت جزء خطا

الگو	آماره آزمون	نتیجه
اول	۱/۸۹	عدم خود همبستگی عبارت جزء خطا

منبع: محاسبات محقق

نتایج مندرج در جدول (۹) نشان می دهد که مقدار آماره دوربین واتسون بین مقادیر بحرانی ۱/۵ تا ۲/۵ باشد، در نتیجه مشکل خود همبستگی وجود ندارد.

۵.۵.۴. آزمون همخطی

در این پایان نامه به منظور بررسی هم خطی از آزمون LM استفاده شده است. فرض صفر و فرض مقابل در این آزمون به صورت زیر می باشند:

H_0 : هم خطی وجود ندارد

H_1 : هم خطی وجود دارد

¹ Durbin Watson

جدول ۱۰: نتایج آزمون هم خطی LM

آماره F	احتمال	نتیجه
۰/۵۸۹۴	۰/۵۴۴۴	عدم هم خطی

منبع: محاسبات محقق

نتایج مندرج در جدول (۱۰) نشان می‌دهد که احتمال آماره محاسبه شده در آزمون LM برای عبارت جزء خطای مدل بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد از این رو فرضیه H_0 این آزمون مبنی بر عدم وجود هم خطی رد نمی‌شود.

۵. نتیجه گیری

هدف از انجام این پژوهش، بررسی اثر سیاست پولی بر شاخص بومی رفاه اجتماعی در ایران برای دوره زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۲ با استفاده از الگوی خود توضیحی با وقفه های گسترده است.

نتایج پژوهش به شرح ذیل است:

۱. وجود رابطه مثبت و معنادار بین شاخص حجم اعتبارات بانکی و رابطه منفی و معنادار حجم پول و نرخ بهره حقیقی با شاخص ترکیبی و بومی رفاه اجتماعی بوده است.

در راستای تبیین این قسمت می‌توان گفت که کاهش نرخ بهره علی رغم اثر مثبتی که می‌تواند بر سرمایه گذاری داشته باشد، ممکن است باعث کاهش تمایل مردم به سپرده گذاری بلند مدت در بانک ها شود و اکثر منابع به سمت سپرده گذاری های کوتاه مدت میل نمایند. اثر بلند مدت این امر می‌تواند کاهش سرمایه گذاری و در نتیجه اشتغال و تولید در بلند مدت باشد. از طرف دیگر با کاهش نرخ بهره، تقاضای وام افزایش و بانک مرکزی ممکن است برای جبران مازاد تقاضای بودجود آمده مجبور به انتشار اسکناس و افزایش نقدینگی شود که افزایش نقدینگی در صورت کافی نبودن عرضه در مقابل تقاضا به سمت بازارهای غیر متشکل نظیر مسکن باشد که در نتیجه تورم در بخش های مذکور را به دنبال داشته باشد و قدرت خرید و رفاه خانوارها را کاهش دهد. بنابراین اثر گذاری معنادار نرخ بهره بر شاخص ترکیبی و بومی رفاه اجتماعی از لحاظ تئوریک مورد تأیید می‌باشد.

۲. اثر منفی حجم پول منتشره توسط بانک مرکزی بر شاخص ترکیبی و بومی رفاه اجتماعی

می‌توان بیان داشت که نقدینگی حجم پول نقد در خارج از سیستم بانکی است که قابلیت تورم زائی دارد، بدین معنی که چنانچه حجم پول نقد بالا باشد قدرت خرید بالا رفته و باعث گرانی کالا یا خدمات می‌شود. بنابراین حجم نقدینگی باید متناسب با میزان تولید کالا و خدمات باشد، در غیر این صورت باعث تورم با رکود خواهد شد. چراکه باید میزان نقدینگی در مقابل مقدار معینی از کالاها و خدمات تناسب داشته باشد و خارج از این سازوکار، نقدینگی باعث رشد سریع تقاضا برای کالاها و خدمات شده و اگر تولید همپای تقاضا افزایش نیابد زمینه تورم در اقتصاد را ایجاد می‌کند. رشد نقدینگی می‌تواند همچون شمشیر دولبه عمل کند، به طوری که اگر رشد نقدینگی به اندازه رشد تولید باشد ارزش پول ملی حفظ خواهد شد و همپای رشد اقتصادی پیش می‌رود و اگر در شرایط نوسانات اقتصادی و هرج و مرج بازار باشد، می‌تواند به تورم اقتصاد دامن بزند، بنابراین با سیاست پولی ارتباط مستقیم دارد که در شرایط بحرانی اصلاح آن می‌تواند از تداوم رشد نقدینگی جلوگیری کند. در واقع کنترل نقدینگی به عنوان وسیله ای برای رسیدن به اهداف نهایی اقتصاد است. بدین منظور حجم نقدینگی در حد ظرفیت های تولیدی از بروز تورم جلوگیری می‌کند و اگر خارج از ظرفیت های

تولیدی کشور باشد، منجر به بروز تورم شده که می‌تواند در نهایت اثرات منفی بر رفاه افراد در جامعه داشته باشد. بنابراین اثرات منفی حجم نقدینگی در کشور ایران به لحاظ تئوریک مورد تأیید می‌باشد. مکانیسم اثرگذاری افزایش حجم اعتبارات بانکی به عنوان یکی از ابزارهای سیاست پولی بر رفاه اجتماعی به این صورت می‌باشد که اولاً، در کوتاه مدت، سیاست پولی در چارچوب افزایش حجم اعتبارات بانکی با افزایش متوسط درآمد جامعه، به صورت مستقیم منجر به کاهش فقر و افزایش رفاه می‌گردد. با فرض توزیع ثابت درآمد، رشد متوسط درآمد، درآمد همه را افزایش می‌دهد و بنابراین، فقر کاهش یافته و رفاه اجتماعی افزایش می‌یابد. دوماً، سیاست پولی در چارچوب افزایش حجم اعتبارات بانکی وضعیت فقر را از طریق توزیع درآمد تغییر می‌دهد. به طور ویژه برای نیروی کار با تکنولوژی کم، سیاست‌های پولی، نرخ بیکاری را پایین آورده و جمعیت فعال اقتصادی و دستمزد واقعی را افزایش می‌دهد. در عین حال، سیاست پولی، متوسط درآمد را بالا می‌برد و فقر را کاهش داده و در نتیجه رفاه اجتماعی را افزایش می‌دهد. بنابراین اثرگذاری حجم مثبت اعتبارات بانکی بر شاخص رفاه اجتماعی به لحاظ تئوریک مورد تأیید می‌باشد.

۳. همچنین نتایج پژوهش حاکی از وجود رابطه منفی بین نوسانات حجم پول به عنوان شاخص بی‌ثباتی سیاست پولی و شاخص ترکیبی و بومی رفاه اجتماعی بوده است.

در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که به ازای قیمتهای مشخص، افزایش حجم اسمی پول موجب افزایش عرضه واقعی پولی میگردد، در نتیجه نرخ بهره‌ی تعادلی کاهش یافته و به دنبال آن سرمایه‌گذاری و تولید نیز افزایش خواهد یافت، به این ترتیب اشتغال و درآمد تحت تأثیر قرار گرفته و این امر بر رفاه مؤثر خواهد بود. موضع افراطی پولیون بیانگر آن است که از میان سیاستهای موجود، سیاستهای پولی است که میتواند موجب تغییر در تقاضای کل شده و بدین ترتیب تولید و قیمت را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین بی‌ثباتی در سیاست پولی می‌تواند بر شاخص ترکیبی و بومی رفاه اجتماعی اثرات معنادار و منفی داشته باشد. ۱

۶. پیشنهادات سیاستی مبتنی بر نتایج تحقیق:

۱- مدیریت هدفمند رشد حجم پول

- با توجه به اثر منفی و معنادار حجم پول منتشره بر رفاه اجتماعی، ضروری است که بانک مرکزی از افزایش بی‌رویه پایه پولی جلوگیری کند.
- پیشنهاد می‌شود سیاست‌های پولی به سمت هدف‌گذاری نرخ تورم و کنترل رشد نقدینگی از طریق عملیات بازار باز و کاهش کسری بودجه‌های پولی دولت حرکت کند.

۲- تقویت کارایی تخصیص اعتبارات بانکی

- تاثیر مثبت حجم اعتبارات بانکی بر رفاه اجتماعی، بیانگر اهمیت دسترسی مردم به منابع مالی مولد است.
- تسهیلات بانکی به سمت بخش‌های مولد اقتصادی، مانند تولید، کشاورزی، آموزش و بهداشت هدایت شود.
- نظام رتبه‌بندی اعتباری دقیق و فراگیر برای تسهیل دسترسی اقشار کم‌درآمد به تسهیلات راه‌اندازی شود.
- محدودیت بر اعطای تسهیلات غیرمولد (مانند وام‌های سوداگرانه) وضع گردد

۳- کاهش نوسانات سیاست پولی (افزایش ثبات اقتصادی)

- تأثیر منفی بی‌ثباتی سیاست پولی (نوسانات حجم پول) بر رفاه اجتماعی نشان‌دهنده‌ی حساسیت جامعه به عدم

اطمینان در سیاست‌های اقتصادی است.

- برای کاهش این نوسانات باید:

الف- چارچوب سیاست پولی مبتنی بر قواعد (مثل قانون‌گرایی به جای تصمیمات موقت و فردی) تدوین شود.

ب- شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری تصمیمات بانک مرکزی افزایش یابد.

ج- استقلال واقعی بانک مرکزی در تصمیم‌گیری سیاستی تقویت گردد

۴- بازنگری در سیاست‌های نرخ بهره واقعی

- رابطه منفی نرخ بهره حقیقی با رفاه اجتماعی ممکن است به دلیل افزایش هزینه وام‌گیری برای خانوارها و بنگاه‌ها باشد.

- نرخ بهره واقعی در چارچوب توان مالی خانوارها و شرایط رکودی یا تورمی اقتصاد تنظیم شود.

- ابزارهای مکمل مانند یارانه‌های هدفمند اعتباری برای اقشار آسیب‌پذیر در نظر گرفته شود.

۵- توسعه شاخص‌های بومی رفاه در سیاست‌گذاری پولی

- با توجه به استفاده از شاخص ترکیبی و بومی رفاه اجتماعی در این مقاله، توصیه می‌شود:
- این شاخص در تدوین سیاست‌های کلان (از جمله سیاست پولی) به عنوان متغیر هدف ثانویه در کنار تورم و رشد اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد.
- بانک مرکزی و مرکز آمار ایران همکاری میان‌بخشی جهت رصد دوره‌ای این شاخص را توسعه دهند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Seyed mohammad mostolizadeh



<https://orcid.org/0000-0003-0942-657X>

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- ایزدخواستی، ح. (۱۳۹۷). تحلیل تأثیر سیاست‌های پولی در الگوی تعادل عمومی پویا بر تورم و رفاه: رویکرد پول در تابع مطلوبیت. *فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، (۳۱)، ۲۸-۱.
- برومند، س.، محمدی، ت.، پژویان، ج.، فرزین‌وش، ا.، و معمارنژاد، ع. (۱۳۹۸). هزینه رفاه شوک‌های خارجی و قاعده بهینه سیاست پولی برای اقتصاد ایران. *فصلنامه اقتصاد مالی*، ۱۳(۴۸)، ۷۵-۱۱۰.
- تشکینی، ا. (۱۳۸۴). کاربرد *Microfit* در اقتصادسنجی. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری دیباگران.
- حیدری ساربان، و. (۱۳۹۴). تبیین عوامل مؤثر بر ارتقای رفاه اجتماعی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: شهرستان مشکین شهر). *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۴۷(۴)، ۶۵۷-۶۷۲.
- سرخوندی، ن.، سهیلی، س.، و فتاحی، م. (۱۳۹۹). تأثیر سیاست پولی بر نابرابری درآمد. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۸(۲۹)، ۱۹۵-۲۰۹.
- شیرین‌بخش، ش.، و حسن‌خوانساری، ح. (۱۳۸۸). کاربرد *EViews* در اقتصادسنجی. تهران: پژوهشکده امور اقتصادی.

- صفری شالی، ر. و مهدی‌زاده اردکانی، م. (۱۳۹۶). بررسی میزان احساس برخورداری از رفاه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۸(۳۰)، ۱-۲۲.
- قنبری نیک، س.ا. (۱۳۹۷). *رفاه اجتماعی*. قم: پژوهشکده دانشگاه باقرالعلوم.
- قوام‌مسعودی، ز. و تشکینی، ا. (۱۳۸۴). تحلیل تجربی تورم در اقتصاد ایران (۱۳۳۸-۱۳۸۱). *پژوهشنامه بازرگانی*، ۹(۳۶)، ۷۵-۱۰۵.
- کفایی، م.ع. و پورفتحی، ن. (۱۳۹۸). بررسی اثر نوسان نرخ ارز بر رفاه اقتصادی و تعیین سیاست پولی مناسب. *فصلنامه راهبرد اقتصادی*، ۹(۳۱)، ۵-۵۲.
- گجراتی، د. (۱۳۷۸). *مبانی اقتصادسنجی* (ترجمه: حمید ابریشمی، چاپ دوم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مرزبان، ح.، دهقان‌شهبانی، ز.، رستم‌زاده، پ. و ایزدی، ح.ر. (۱۳۹۵). محاسبه رفاه با سناریوهای متفاوت سیاست مالی در چارچوب مدل سیاست پولی و مالی بهینه. *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، ۱۰(۶)، ۸۹-۱۱۱.
- مستولی‌زاده، م. و سلیمی، م. (۱۴۰۰). رابطه شاخص پیچیدگی اقتصادی و شاخص توسعه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه. *تحقیقات اقتصادی*، ۵۵(۴)، ۸۵۳-۸۸۶.
- مستولی‌زاده، م. و منتظری، م. (۱۳۹۹). اثر ترکیب مالیاتی بر سهم موجودی سرمایه خالص بخش صنعت با رویکرد ARDL. *فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی*، ۸(۲۹)، ۵۵-۸۴.
- محقق‌کمال، س.ح.، رفیعی، ح.، سجادی، ح.، عباسیان، ع.ا. و رهگذر، م. (۱۳۹۲). تخمین شاخص ترکیبی رفاه اجتماعی برای شرایط ایران. *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۱۴(۵۲)، ۱-۲۴.
- نصیرخانی، م.ع.، عزتی، ن.، نظام‌پرست، س. و رضوانه، ف. (۱۳۹۸). تأثیر نهادهای اسلامی انفاق و قرض‌الحسنه بر کاهش فقر در ایران. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۷(۲۵)، ۲۲۱-۲۳۶.

منابع انگلیسی

- Aghion, P., Bacchetta, P., Rancière, R., & Rogoff, K. (2010). Exchange rate volatility and productivity growth: The role of financial development. *Journal of Monetary Economics*, 57(3), 325-344. <https://doi.org/10.1016/j.jmoneco.2010.01.010>
- Alba, J. D., Liu, J., Chia, W. M., & Park, D. (2020). Foreign output shock in small open economies: A welfare evaluation of monetary policy regimes. *Economic Modelling*, 86, 101-116.
- Alpanda, S., & Zubairy, S. (2021). Addressing the supply side effects of the pandemic: Monetary-fiscal coordination revisited. *Journal of Economic Dynamics and Control*, 127, 104108.
- Ampudia, M., van Vlokhoven, H., & Zochowski, D. (2018). Monetary policy and income inequality in the euro area. *ECB Economic Bulletin*, 2.
- Bandura, R. (2006). A survey of composite indices measuring country performance: 2006 update. United Nations Development Programme.
- Bank of England. (2023). Sterling monetary framework and policy report. Retrieved from <https://www.bankofengland.co.uk>
- Barro, R. J., & Gordon, D. B. (1983). Rules, discretion and reputation in a model of monetary policy. *Journal of Monetary Economics*, 12(1), 101-121. [https://doi.org/10.1016/0304-3932\(83\)90051-X](https://doi.org/10.1016/0304-3932(83)90051-X)
- Bernanke, B. S. (2022). Monetary policy: A journey from theory to practice. *Journal of Economic Perspectives*, 36(2), 3-28. <https://doi.org/10.1257/jep.36.2.3>
- Bernanke, B. S., Laubach, T., Mishkin, F. S., & Posen, A. (2022). *Inflation targeting: Lessons from the international experience*. Princeton University Press.
- Bernanke, B. S., & Gertler, M. (1995). Inside the Black Box: The Credit Channel of Monetary Policy Transmission. *Journal of Economic Perspectives*, 9(4), 27-48. <https://doi.org/10.1257/jep.9.4.27>
- Blanchard, O., & Galí, J. (2010). Labor Markets and Monetary Policy: A New Keynesian Model

- with Unemployment. *American Economic Journal: Macroeconomics*, 2(2), 1–30.
<https://doi.org/10.1257/mac.2.2.1>
- Blinder, A. S. (2016). *Central banking in theory and practice*. MIT Press.
- Boivin, J., Kiley, M. T., & Mishkin, F. S. (2010). How has the monetary transmission mechanism evolved over time? *NBER Working Paper No. 15879*.
- Carroll, C. D., Otsuka, M., & Slacalek, J. (2017). How Large Are Housing and Financial Wealth Effects? *Journal of Money, Credit and Banking*, 49(2-3), 401–439.
<https://doi.org/10.1111/jmcb.12327>
- Cecchetti, S. G., & Schoenholtz, K. L. (2021). *Money, banking, and financial markets*. McGraw-Hill Education.
- Clarida, R., Galí, J., & Gertler, M. (1999). The Science of Monetary Policy: A New Keynesian Perspective. *Journal of Economic Literature*, 37(4), 1661–1707.
<https://doi.org/10.1257/jel.37.4.1661>
- Delhey, J., & Kroll, C. (2013). Measurement of social well-being: The challenge of sustainability and social inclusion. *Social Indicators Research*, 114(3), 635–651.
- Diener, E., & Chan, M. Y. (2011). Happy people live longer: Subjective well-being contributes to health and longevity. *Applied Psychology: Health and Well-Being*, 3(1), 1–43.
<https://doi.org/10.1111/j.1758-0854.2010.01045.x>
- Diener, E., Oishi, S., & Tay, L. (2018). Advances in subjective well-being research. *Nature Human Behaviour*, 2(4), 253–260. <https://doi.org/10.1038/s41562-018-0307-6>
- ECB. (2024). Monetary policy instruments: Recent developments and assessment. *European Central Bank Bulletin*.
- El Herradi, M., & Leroy, A. (2023). Navigating the well-being effects of monetary policy: Evidence from the euro area. *IMF Working Paper No. 2023/248*.
- Evgenidis, A., & Fasianos, A. (2019). Monetary policy and wealth inequalities in Great Britain: Assessing the role of unconventional policies. *arXiv preprint arXiv:1912.09702*.
- Fleurbaey, M., & Blanchet, D. (2013). *Beyond GDP: Measuring welfare and assessing sustainability*. Oxford University Press.
- Friedman, M. (1968). The role of monetary policy. *American Economic Review*, 58(1), 1–17.
- Gough, I. (2015). Climate change and sustainable welfare: An argument for the universal basic dividend. *Journal of Social Policy*, 44(4), 745–764.
- Hagerty, M. R., & Land, K. C. (2007). Constructing summary indices of quality of life: A model for guiding policy. *Social Indicators Research*, 81(1), 1–29.
- Hassan, M. K., Paltrinieri, A., & Sensoy, A. (2022). Monetary policy effectiveness in emerging economies: Evidence from bank-based systems. *Emerging Markets Review*, 52, 100890.
- Helliwell, J. F., Layard, R., Sachs, J., & De Neve, J. E. (2023). *World Happiness Report 2023*. Sustainable Development Solutions Network.
- Khawaja, M., Asadullah, M. N., & Mahmud, W. (2022). Cultural dimensions and their influence on social wellbeing: A comparative study. *Social Indicators Research*, 159(2), 603–626.
<https://doi.org/10.1007/s11205-021-02733-1>
- Komatsu, S., & Suzuki, A. (2023). The impact of different levels of income inequality on subjective well-being in China: A panel data analysis. *The Chinese Economy*, 56(2), 104–123.
- Krueger, D., & Perri, F. (2006). Does income inequality lead to consumption inequality? *Review of Economic Dynamics*, 9(4), 615–635. <https://doi.org/10.1016/j.red.2005.06.002>
- Legatum Institute. (2012). *Legatum prosperity index: An inquiry into global wealth and well-being*. www.prosperity.com
- Lochner, L., & Mongey, S. (2018). Understanding the impact of inflation on household welfare. *Journal of Economic Perspectives*, 32(3), 93–116. <https://doi.org/10.1257/jep.32.3.93>
- Lucas, R. E. Jr. (1972). Expectations and the neutrality of money. *Journal of Economic Theory*, 4(2), 103–124. [https://doi.org/10.1016/0022-0531\(72\)90142-1](https://doi.org/10.1016/0022-0531(72)90142-1)
- MacCulloch, R., Shafiee, H., & El-Jahel, L. (2020). How does monetary policy affect welfare? *Motu Working Paper*. <https://www.motu.nz>
- Mian, A., & Sufi, A. (2014). What Explains the 2007–2009 Drop in Employment? *Econometrica*, 82(6), 2197–2223. <https://doi.org/10.3982/ECTA10756>
- Mishkin, F. S. (2019). *The economics of money, banking, and financial markets* (12th ed.). Pearson

Education.

Moghadam, H., & Hosseini, S. (2021). Challenges of monetary policy implementation in developing countries: The case of Iran. *Economic Modelling*, 94, 436–445.

<https://doi.org/10.1016/j.econmod.2020.11.009>

Nussbaum, M. (2011). *Creating capabilities: The human development approach*. Harvard University Press.

Obstfeld, M., & Rogoff, K. (1995). Exchange Rate Dynamics Redux. *Journal of Political Economy*, 103(3), 624–660. <https://doi.org/10.1086/262033>

OECD. (2013). *How's life? 2013: Measuring well-being*. OECD Publishing.

Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. Simon & Schuster.

Sen, A. (1999). *Development as freedom*. Oxford University Press.

Shahbaz, M., et al. (2022). Macroeconomic volatility and social welfare: The case of Iran. *Journal of Economic Studies*, 49(3), 556–572.

Sims, E., & Wu, J. C. (2019). The welfare and distributional consequences of monetary policy. *Annual Review of Economics*, 11, 225–248.

Steptoe, A., Deaton, A., & Stone, A. A. (2015). Subjective wellbeing, health, and ageing. *The Lancet*, 385(9968), 640–648. [https://doi.org/10.1016/S0140-6736\(13\)61489-0](https://doi.org/10.1016/S0140-6736(13)61489-0)

Stiglitz, J. E., Fitoussi, J. P., & Durand, M. (2018). *Beyond GDP: Measuring what counts for economic and social performance*. OECD Publishing.

Stiglitz, J. E., Sen, A., & Fitoussi, J. P. (2009). Report by the commission on the measurement of economic performance and social progress. <http://www.stiglitz-sen-fitoussi.fr>

SUERF. (2023). Monetary policy and labor income inequality: The role of extensive and intensive margins. *SUERF Policy Brief*, No. 693.

UNDP. (2020). *Human development report 2020: The next frontier—Human development and the Anthropocene*. United Nations Development Programme.

Woodford, M. (2003). *Interest and prices: Foundations of a theory of monetary policy*. Princeton University Press.